



نقش نقل وقایع و مناسبت های اسلامی در درونی کردن هویت و فرهنگ ملی

اسلامی کودکان و نوجوانان

عین اله شهابی شهامیری

کارشناس آموزش پیش دبستانی آموزش و پرورش شهرستان بهشهر-مازندران
Einolah.shahamiri@gmail.com

مریم عمویی

مدیریت مهد رنگین کمان شهرستان بهشهر-مازندران
Maryam.amouie.9797@gmail.com

چکیده

انسان موجودی است تأثیرپذیر و متغیر که اگر قرار باشد از تمامی این تغییرات تأثیر بپذیرد، هویت واقعی خود را از دست می دهد. چرا که هویت به عنوان مجموعه خصوصیات و مشخصات اساسی اجتماعی، فرهنگی، روانی، زیستی و تاریخی همسان، که به رسایی و روایی، بر ماهیت یا ذات گروه به معنای یگانگی یا همانندی اعضای آن با یکدیگر تعریف می شود. هویت ملی نیز به عنوان احساس تعلق و تعهد نسبت به اجتماع ملی و کل جامعه ای که فرد در آن عضویت دارد می باشد. و دارای ابعاد مختلفی نظیر بعد اجتماعی، بعد تاریخی، بعد جغرافیایی، بعد سیاسی، بعد دینی و بعد فرهنگی / میراث فرهنگی می باشد. هر ملتی که خواستار توانمندی های فرهنگ ملی اش است و نمی خواهد که در برابر دیگر فرهنگ ها دست بسته سر تسلیم فرود آورده و هویت خویش را ببازد، باید بر توانایی های خود در همه زمینه ها بیفزاید و قدرت آفرینش جامعه را بالا ببرد تا با یاری آن جرأت رودررویی و چالش با پدیده های مثبت و منفی ساختار فرهنگی خود را هوشمندانه داشته باشد و با شناختی کنجکاوانه از آن بهره گرفته و با گذراندن از صافی های لازم، آنها را در جهت غنا بخشیدن به فرهنگ ملی جذب کند. بر این اساس با استناد بر مراحل اریکسون از آنجایی که دوران نوجوانی دوره هویت یابی است و کشوری که ما در آن زندگی می کنیم کشوری با بافت اسلامی است و با انواع آیین های دینی نظیر تولد پیامبر اعظم (ص)، عید فطر، عید قربان، رحلت پیامبر اعظم (ص)، عید قربان، جشن نیمه شعبان، ایام محرم که هر چه باشکوه تر برگزار می شوند عجین شده است لذا می توان در دوران گذر از نوجوانی و حتی پیش از آن دوران کودکی با نقل کردن داستان ها و وقایع عید قربان، پیغمبری پیامبر و جانشینی مولا و داستان محرم و خصوصا شرکت دادن کودکان و نوجوانان در این مراسم ها و پاسخگویی به ابهامات آن ها در این زمینه هم در تثبیت بیشتر این فرهنگ در نوجوانان و کودکان موفق تر عمل نمود و هم در پایدار تر کردن و وااستدام بخشیدن به این فرهنگ در کنار فرهنگ غنی ایرانی نظیر اساطیر کهن ایران (آرش کمانگیر، داستان رستم و سهراب ...). گام های محکم تر برداشت. متأسفانه مطابق با بررسی های انجام شده مطالعه ای در زمینه مقایسه اساطیر کهن ایران نظیر قهرمانی آرش مکانگیر با ابولفضل العباس (ع) و موارد دیگر انجام نشده تا بانقل آن برای کودکان و نوجوانان در جهت ماندگار کردن بیشتر این اسطوره ها و فرهنگ در ایران زمین اقدامی انجام شده باشد که توصیه ی شود در مطالعات بعدی گام های اساسی در این زمینه برداشته شود.

واژگان کلیدی: هویت ملی، ملی، مذهبی، آیین دینی.

مقدمه

انسان موجودی است تأثیرپذیر و متغیر که هرگاه در شرایط جدیدی قرار گیرد بلافاصله خود را با آن وفق می دهد. با توجه به شرایط دنیایی که در آن زندگی می کنیم و ویژگی های این جهان، می بینیم که همواره در حال تغییر و تحول است. پس اگر قرار باشد انسان از تمامی این تغییرات تأثیر بپذیرد، هویت واقعی خود را از دست می دهد (کاووسی و حسن زادگان، ۱۳۹۰). چراکه همانگونه که از تعریف هویت پیداست؛ در معنای لغوی؛ هویت یعنی، حقیقت و ماهیت چیزی؛ یا هویت پاسخ به سؤال چه کسی بودن و چه گونه بودن است. در تعریف فلسفی: هویت همان حقیقت جزئی است «الحقیقه تسمی هویه، یعنی هرگاه ماهیت با تشخیص لحاظ و اعتبار شود هویت گویند»، و لذا، می توان گفت هویت تشخیص ماهیت در خارج است (کرجی، ۱۳۹۲: ۲۶۵ و ۲۶۶). در تعریف دیگر: هویت عبارت است از مجموعه خصوصیات و مشخصات اساسی اجتماعی، فرهنگی، روانی، زیستی و تاریخی همسان، که به رسایی و روایی، بر ماهیت یا ذات گروه به معنای یگانگی یا همانندی اعضای آن با یکدیگر دلالت کند، و آنان را در یک ظرف زمانی و مکانی معین، به طور مشخص و قابل قبول و آگاهانه از سایر گروه ها و افراد متعلق به آن ها متمایز سازد (الطایبی، ۱۳۹۱: ۱۳۸۸). در تعریف هویت، یکی از متغیرهایی که لازمه ی اساسی آن است «غیر» مشخص شود. به عبارت دیگر: هویت زمانی ظهور می یابد، که انسان به غیر مواجه شود، و غیر عبارت است از جامعه ی دیگر، طرز تفکرهای مختلف و نقش های جدیدی که سازنده ی هویت او هستند. لذا، در تعریف دیگری از هویت، گفته می شود: هویت پدیده ای ثابت و تغییرناپذیر نیست، بلکه هویت به مثابه ی یک پدیده ی سیال و چند وجهی، حاصل فرایند مستمر تاریخی است، که تحت تأثیر شرایط محیطی، همواره در حال تغییر است. بنابراین، ملاحظه می شود در تعریف هویت، متغیرهایی چون: تمایز، تشخیص، سیالیت، غیر و ماهیت خارجی، نقش اساسی دارند. با توجه به تعریف هویت، اگر نتوان برای هستی یک پدیده، محدوده هویتی تعیین کرد، آن گاه، می توان از بحران هویت صحبت به میان آورد و هرگاه شناسایی «غیر»، به دلیل عدم صراحت مؤلفه های هویتی «خود»، تمایز از «غیر» امکان پذیر نباشد، در این صورت هستی دچار بی هویتی یا بحران هویت می شود (همتی، ۱۳۹۰).

هویت می تواند به وسیله عوامل مختلفی به وجود بیاید. مثلاً جنگ ها و حوادث ناگوار که در یک جامعه رخ می دهد. می تواند در سرنوشت جامعه و نسل های آینده آن سرزمین دخیل باشد و فرهنگ هایی که از یک تمدن یا جامعه به تمدن و یا جامعه دیگری وارد می شوند، می توانند هویت ساز باشند. هویت ملی را به عنوان احساس تعلق و تعهد نسبت به اجتماع ملی و کل جامعه ای که فرد در آن عضویت دارد، تعریف کرده اند. در این تعریف باورها، ارزش ها، هنجارها و نهادهای فرهنگی مثل زبان، دین، آداب و رسوم، ادبیات و... جای دارد (سابقی، ۱۳۹۱).

روش تحقیق

در این بخش، به روش تحقیق، جامعه آماری، نمونه و روش نمونه گیری، ابزارهای پژوهش (چگونگی بررسی روایی و پایایی ابزارها) و روشهای تجزیه و تحلیل داده ها پرداخته می شود (مقالات غیر پژوهشی از این چارچوب مستثنی هستند).

یافته ها

هویت ملی

از علائم و پیش نیازهای هرگونه زندگی اجتماعی اعم از هویت های نژادی، خاکی، قومی، گروهی، فرهنگی و... که با انواع خرده فرهنگ ها، زبان، دین و ایدئولوژی و مهارت و حرف و... مشخص می شوند، برخورداری از هویت ملی است.
ابعاد هویت ملی:

الف) بعد اجتماعی: هر شخص از طریق محیط اجتماعی ای که به آن تعلق دارد، یا بدان رجوع می کند هویت خود را می سازد. جوهره بعد اجتماعی هویت ملی، منوط به برقراری روابط دوستانه است و هرچه ارتباطات گسترده تر باشند. موجب تقویت بعد اجتماعی هویت ملی خواهد شد.

ب) بعد تاریخی: بعد تاریخی هویت ملی آگاهی مشترک افراد یک جامعه از گذشته تاریخی و احساس دلبستگی به آن و احساس هویت تاریخی و هم تاریخ پنداری است که پیونددهنده نسل های مختلف به یکدیگر است.

ج) بعد جغرافیایی: محیط جغرافیایی و سرزمینی تبلور فیزیکی، عینی، ملموس و مشهود هویت ملی به حساب می آید که ضرورتی بس عظیم است.

د) بعد سیاسی: تعلق به دولت، نظام سیاسی و ارزش های مشروعیت بخش حکومت است.

ه) بعد دینی: داشتن دین و مذهب مشترک، پایبندی و وفاداری به آن، اعتقاد و تمایل به مناسک و آئین های مذهبی فراگیر در روند شکل دهی هویت ملی بسیار مؤثر است.

و) بعد فرهنگی/ میراث فرهنگی: مجموعه هنجارها و آداب و رسوم عام و مشترک که پایداری زیادی دارند از قبیل شیوه معماری، سنت ها، اعیاد و اسطوره ها و عرف و فرهنگ مردم، بعد فرهنگی هویت را تشکیل می دهند.

ز) بعد زبانی: زبان و آثار ادبی نه تنها به عنوان یک محصول اجتماعی بلکه ابزار و وسیله ارتباطات در تولید و بازتولید فرهنگ و هویت است. (کاووسی و حسن زادگان، ۱۳۹۰).

هویت فرهنگی

فرهنگ، به عنوان شناسنامه یک ملت است و هویت فرهنگی، به عنوان سند تاریخی تلاش ها و خلاقیت ها، افتخارات و در مجموع فراز و فرودهای افتخارآمیز یا عبرت آموز گذشته و حال یک ملت محسوب می شود. واژه «فرهنگ» در زبان فارسی از واژه های بسیار کهن است که نه تنها در نخستین متن های نثر فارسی دری، بلکه در نوشته های بازمانده از زبان پهلوی نیز یافت می شود. این واژه که در سده های اخیر، کمابیش از یادها رفته بود و فقط نامی برای کتاب های لغت بود، در سال ۱۳۱۴ با بنیان گذاری «فرهنگستان ایران» جانی تازه یافت و با تبدیل نام وزارت معارف به وزارت فرهنگ از فراموشخانه دیوان ها و کتاب های لغت به زندگی روزانه پای گذاشت. چنان که از این نام گذاری پیداست، کلمه فرهنگ با توجه به معنای اصلی آن، که ادب و تربیت باشد، برابر «اجوکیشن»^۱ در زبان های اروپایی اختیار شد و «فرهنگی» دیگر بار عنوان کسانی شد که کارشان آموزش بود. اما رواج کلمه «کالچر»^۲ و مفاهیم مربوط به آن، نیاز به یافتن برابری را برای آن تجویز کرد و لذا کلمه «فرهنگ» در برابر «کالچر» به کار رفت و «آموزش و پرورش» برابر «اجوکیشن» نهاد شد. حفظ هویت فرهنگی هر ملتی در تعامل با سایر فرهنگ ها، دغدغه وطن دوستانی است که از آبشخور آن فرهنگ سیراب شده اند و با لالایی آرام بخش و جان نواز مام میهن در بستر آن فرهنگ رشد و تکامل فکری و معنوی پیدا کرده اند فرهنگ، بهترین موازین اخلاقی، معتقدات مذهبی، تفکر، آداب و سنن را اخذ می کند و خود را از آن می پرورد. فرهنگ، روش زندگی یک قوم را مشخص می کند. چند قوم با مذهب مشترک یا اصول اخلاقی کمابیش مشترک، شیوه زندگی کردن و اندیشیدن مشابه ندارند، زیرا فرهنگ آن ها با هم متفاوت است. در عین حال، فرهنگ محصول کار گروهی و نتیجه کوشش های همگانی قومی در طی دوران های متوالی است. بدین گونه، هر فرهنگ ارزنده ای هزارها و میلیون ها خدمتگزار ناشناسی داشته است که بر روی عشق به خوبی و زیبایی و پیشرفت در گمنامی تلاش کرده اند (سعیدی کیا، ۱۳۹۲؛ ۲۳).

آنچه که هر جامعه را از جوامع دیگر تمیز می دهد، خصوصیتی است که شناسنامه فرهنگی آن جامعه به حساب می آید. تاریخ و گذشته تاریخی، وطن و سرزمین، نیاکان، باورها، زبان، عقاید، دین و اسطوره های مذهبی حماسه ها، هنر و ادبیات کهن، نژاد، قومیت و سنن قومی عناصری هستند که «هویت فرهنگی» هر جامعه را می سازند (روح الامینی، ۱۳۹۲؛ ۱۱۱).

^۱ . Education
^۲ . Culture

هر ملتی که خواستار توانمندی های فرهنگ ملی اش است و نمی خواهد که در برابر دیگر فرهنگ ها دست بسته سر تسلیم فرود آورده و هویت خویش را ببازد، باید بر توانایی های خود در همه زمینه ها بیفزاید و قدرت آفرینش جامعه را بالا ببرد تا با یاری آن جرأت رودررویی و چالش با پدیده های مثبت و منفی ساختار فرهنگی خود را هوشمندانه داشته باشد و با شناختی کنجکاوانه از آن بهره گرفته و با گذراندن از صافی های لازم، آنها را در جهت غنا بخشیدن به فرهنگ ملی جذب کند. امروز کمتر جامعه ای را می توان سراغ داشت که برای دستیابی به توسعه همه جانبه تکیه بر عامل فرهنگی را اساس کار نداند (ورجاوند، ۱۳۸۹؛ ۶۸).

هویت ها نیروی انگیزشی و واجد کنترل و نفوذ بر رفتار هستند که آنها را موجه یا نمادین می سازد. هویت ها به وسیله تعهدات، ثابت و پایدار شده اند. وجهتی که شخص در شبکه روابط اجتماعی اش دارد، هویت مربوط به آن شبکه را تقویت می کند. رفتار، برونداد فرایند نقش سازی است که در تعامل تعاریف خود و واکنش های دیگران، دخالت دارد. رفتار اجتماعی به کلی دست به گریبان تعامل مدعیان هویت و تایید یا انکار چنین مدعیانی است (استرایکلر ۳، ۱۹۲۷؛ نقل از دوران، ۱۳۹۴).

هویت فرهنگی و هویت ملی

هویت به معنی "چه کسی بودن" است و از نیاز طبیعی انسان به شناخته شدن و شناسانده شدن به چیزی یا جایی برمی آید. این حس تعلق، بنیادی ذاتی در وجود انسان دارد. برآورد شدن این نیاز، "خودآگاهی" فردی را در انسان سبب می شود و ارضای حس تعلق میان یک گروه انسانی، خودآگاهی جمعی و مشترک یا هویت بومی یا ملی آن گروه انسانی را تعیین می کند. اگر مردم یک کشور را به عنوان سلول های وجودی آن در نظر گیریم، بی تردید ترکیبات اجتماعی و اداری، ارکان حیات آن کشور است و آنچه از هویت و ملیت می شناسیم، به منزله روح این پیکر خواهد بود. (ساختار فرهنگی هویت ملی، ۱۳۸۹).

اگر نیازمندی ها معنوی و حس تعلق انسان به چیزی یا جایی ارضاء نگردد و انسان از هویت خودآگاهی نیابد، موجود سرگردانی بیش نیست که هرگز نخواهد توانست از کلاف سردرگم بی سر و سامانی و بی هدفی رهایی یابد. این پدیده ها و نهادهای معنوی و فرهنگی هستند که فضای انسانی را به گونه محیطی مشخص و مستقل از دیگر محیط های انسانی، جدا و متمایز می کند و افراد آن فضای انسانی ویژه را از روحیه سرشار معنوی و از حس همدلی و همراهی برخوردار می سازد. هویت ملی از وجوهی برخوردار است که به قرار زیر است:

۱- خانواده؛ ۲- زبان؛ ۳- دین و آئین؛ ۴- زادگاه و سرزمین؛ ۵- تاریخ؛ ۶- آداب و رسوم، سنت ها و ارزش ها؛ ۷- باورها و رفتارها؛ ۸- دانش و فنون، ۹- خودآگاهی و خودیابی و ... که از ۲ نحوه ترکیب مولفه های پیشین پدید می آید (روح الامینی، ۱۳۹۲؛ ۱۱۱).

با توجه به تعاریف مذکور، عناصر سازنده ی هویت ملی و ابعاد متفاوت هر کدام، برای هویت ملی کارکردهای خاصی را می توان برشمرد. انسجام آفرینی و همبستگی ملی؛ ایجاد آگاهی ملی و تعیین سازوکارهای فرهنگ سیاسی از آن جمله اند. بهره گیری از توانایی های نمادین مانند زبان، دین، گذشته تاریخی و منافع مشترک، می تواند به همبستگی ملی منجر شود. با توجه به نقش تعیین کننده ای که هویت ملی در حوزه فرهنگ، اجتماع، سیاست و اقتصاد دارد، علاوه بر ایجاد همبستگی و مشروعیت بخشیدن به نظام سیاسی - اجتماعی، نقش عمده ای را در قوام و دوام حیات سیاسی یک ملت ایفا می کند، و حتی برای تعیین مسیر زندگی جمعی در آینده و اهداف ملی، نقش خاصی را بر عهده می گیرد.

۴. ملت و ملیت

هویت ملی با مفاهیم دیگری نیز مرتبط است. زمان می توان از هویت ملی یک جمع سخن به میان آورد که قبلا به ملت تبدیل شده باشند. مفهوم ملت با توجه به ویژگی های عینی و مشترک یک جامعه و تصورات ذهنی اعضای آن، تعاریف متعددی دارد. این واژه گاهی به گروهی از مردم اطلاق شده است، که دارای وحدت زبان یا نژاد یا مذهب یا ترکیبی از آنها باشند، در نظر گروهی دیگر اعتقادات، منافع مشترک و رخدادهای تاریخی، عوامل مؤثر در ایجاد ملت هستند؛ و لذا، می توان گفت ناسیونالیسم یا ملت گرایی نوعی احساس وفاداری و تعلق به ملتی خاص است که برای خود صفات ویژه ای قایل بوده، در تلاش برای حفظ منافع ملی و فرهنگ ملی خود از هیچ کوششی دریغ نمی ورزند. در این دیدگاه، ملت به گروهی اطلاق می شود که

³.Strieckler

خود را دارای پیوندها و علقه‌هایی می‌بیند که این پیوندها و علقه‌ها شرط لازم آن است، اما آگاهی و اذعان به آن پیوند، شرط کافی است (زهیری، ۱۳۸۱: ۳۳).

(ب) هویت ملی ایرانی

ایران در منطقه‌ی خاورمیانه پل ارتباطی میان فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلفی چون: هند، چین، مصر، بابل، یونان و روم بوده است. از همین رو در طول تاریخ کهن، این سرزمین شاهد تحولات سیاسی، دینی و نظامی بسیار بوده است که در تعیین هویت ایرانی و تحول آن نقشی اساسی را ایفا کرده‌اند از این میان، گسترش اسلام در ایران و برخورد کشور ما با اندیشه‌های جدید غربی در تحول هویت ملی ما بیش‌ترین تأثیر را داشته است. هویت ملی ایرانی نیز مانند هویت‌های دیگر، دارای مؤلفه‌های اساسی مخصوص به خود است. بسیاری از اندیشمندان از میان مؤلفه‌های چون: زبان، دین، جغرافیا، تاریخ، فرهنگ ملی و غیره، به اصالت زبان به عنوان پایه‌ای‌ترین مؤلفه‌ی هویت ایرانی یاد می‌کنند؛ زبانی که علی‌رغم آمیختگی‌هایش با واژگان بیگانه، در طول تاریخ اصالت خود را حفظ کرده است. برخی دیگر به تاریخ و سرنوشت مشترک ایرانیان نظر دارند، و تاریخ ایرانیان را به عنوان مؤلفه‌ی بنیادی هویت ملی به حساب می‌آورند. طبق نظریه‌ی دیگر، وجود عامل ذهنیت مشترک و وجدان مشترک تاریخی، مهم‌ترین مؤلفه‌ی هویت ملی ایران است (تاجیک، ۱۳۷۹: ۳۵). لذا، به طور کلی در رابطه با هویت ملی ایرانی چهار دیدگاه عمده وجود دارد:

- 1- طرفداری از ناسیونالیسم ایرانی در ضدیت با اسلامیت و عرب‌ستیزی، و تلاش برای پالایش زبان فارسی از واژگان عربی و حتی غربی کردن آن.
- 2- طرفداری از آموزه‌های مارکسیستی توسط گروه‌های چپ و حزب توده، در این نگرش فرهنگ و هویت ملی تابعی از عنصر زیربنایی اقتصاد است و از این رو مفهوم خلق، جای‌گزین ملت شده است.
- 3- دیدگاه طرفدار فرهنگ مشترک که در آن به همبستگی ذاتی و لاینفک میان اسلامیت و ایرانیت توجه خاص می‌شود. از طرفداران این دیدگاه روشنفکران دینی و نیز امام خمینی را می‌توان نام برد (برزگر، ۱۳۷۹: ۱۳۹).
- 4- دیدگاه هواداران جریان فکری تجددگرایی که طرفدار تقلید کامل از الگوهای غربی هستند، و هویت ملی را در غربی شدن به تمام معنا می‌دانند. (روح‌الامینی، ۱۳۹۲؛ ۱۱۱).

با تکیه بر عناصر هویت ملی ایرانی، ادوار تاریخ ایران را می‌توان به مقاطع ذیل تقسیم کرد:

1. دوره‌ی باستان
2. از ورود اسلام تا آغاز صفویه
3. از آغاز صفویه تا نهضت مشروطیت
4. از مشروطیت تا ظهور سلسله‌ی پهلوی
5. دوران سلسله‌ی پهلوی
6. دوران انقلاب اسلامی

همان‌گونه که ذکر شد، مبنای تقسیم‌بندی فوق آن است که در هر یک از مقاطع زمانی، تعریف هویت ایرانی و مؤلفه‌های آن تغییر می‌یابد؛ در دوره‌ی اول، عناصر اسطوره‌ای دین باستانی، جغرافیا و نظام سیاسی؛ در دوره‌ی دوم، اسلامیت نقش مهمی در هویت ایرانی دارد؛ در دوره‌ی صفوی، با تشکیل دولت ملی، هویت ملی بر عنصر ملیت ایرانی و تشیع متکی می‌شود؛ در دوره‌ی قاجار، با ورود اندیشه‌های غربی و نهضت مشروطیت، هویت ملی ایرانی دچار بحران اساسی می‌شود؛ دوره‌ی پهلوی دوران بازگشت به ایرانیت در مقابل اسلامیت؛ و دوران انقلاب اسلامی، عصر بازگشت به دین است. از دوران فوق، نهضت مشروطیت و سپس عصر پهلوی دارای اهمیت خاص است؛ عصر پهلوی اول، که پی‌آمد شکست سیاسی مشروطه، و رواج اندیشه‌های تجدد در ایران است، با تحولات جهان سوم که به ناسیونالیسم گراییده است مقارن می‌باشد. از این رو رضا شاه و نخبگان سیاسی همراه او، با آگاهی از جایگاه دین در جامعه‌ی ایرانی، در تلاش بودند تا هویت ایرانی را براساس آموزه‌های ایرانیت خالص پایه‌ریزی نمایند. در این دوره، سنت‌های ملی و فرهنگ باستانی ایرانی احیا شد، که اقداماتی چون: تأسیس انجمن آثار ملی؛ برگزاری جشن هزاره‌ی فردوسی؛ تأسیس کانون ایران باستان و تأسیس فرهنگستان ایران در همین راستا بود؛ و براساس

الگوهای برگرفته از جامعه‌ی از ترکیه، اقدام به نوسازی کرد که تناسب چندانی با جامعه‌ی ایرانی نداشت. توجه اصلی رضا شاه در امر ملی‌گرایی، به دوران قبل از اسلام بود (زهیری، ۱۳۸۱: ۱۴۴-۱۴۰).

دوران پهلوی دوم، با مهم‌ترین مسأله‌ی عصر حاضر؛ یعنی، تجدد و نوسازی مواجه بود. در واقع پروژه‌ی جدی نوسازی در دوره پهلوی دوم با انقلاب سفید شاه در سال ۱۳۴۱ ه. ش شروع شد. در این دوره هویت ایرانی، با تعریف دوباره‌ی آن، با عدم توجه به عناصر دینی ادامه یافت و بر سنت‌های باستانی به عنوان ارکان اساسی هویت ملی تأکید می‌شد. برگزاری مراسم تاج‌گذاری شاه در سال ۱۳۴۶ ه. ش، و برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله‌ی شاهنشاهی، تغییر تقویم هجری به تقویم شاهنشاهی از جمله‌ی این اقدامات بود. اما، علی‌رغم فعالیت‌های گسترده در دوران پهلوی دوم برای بدست دادن تعریفی از هویت ملی ایرانی، به علت بحران ناشی از تقابل تجدد و سنت هم‌چنان هویت ملی ایرانی با چالش‌های اساسی مواجه بود. بحرانی که عکس‌العمل‌های مختلفی را به وجود آورد؛ عده‌ای بر ترک الگوهای سنتی تأکید داشتند و گذار از مرحله‌ی دینی به مرحله‌ی علم تجربی را یک ضرورت عقلانی می‌دانستند؛ گروه دیگر با تأکید بر همزیستی سنت و تجدد، به نوسازی براساس الگوهای دینی اعتقاد داشتند. این گروه شامل طیف گسترده‌ای از علما و اندیشمندان اسلامی می‌شد که می‌توان از جلال آل‌احمد، شریعتی و مطهری به عنوان سرآمدان این جریان نام برد. این گرایش در سال‌های تکوین نهضت اسلامی ابعاد گسترده‌ای به خود گرفت. (روح الامینی، ۱۳۹۲؛ ۱۱۱).

هویت یابی ملی در دنیای امروز

هویت هر ملتی بی شک در ریشه‌های اجتماعی و فرهنگی تاریخ آن مردم نهفته است، ولی آن هرگز در حد گذشته محدود نشده، بلکه به ماهیاتی مربوط می‌شود که از خصایص کنونی اجتماعی و فرهنگی جامعه نشأت می‌گیرد که کاملاً تازگی داشته و به دنیای امروز تعلق دارد. حتی خصایص تاریخی-هوتی یک ملت نیز به تمامی وقایع و مؤلفه‌های گذشته‌شان مربوط نمی‌شود، بلکه از میان‌شان، آن ویژگی‌هایی ماندگار بوده و هنوز در روح جمعی آن ملت موج می‌زند، که با یافتن پیام و مخاطبی برای نسل امروز از فسیل شدن خود جلوگیری کرده و امکان بازتولید خویش را فراهم آورده باشد (احمدی علی آبادی، ۱۳۹۱؛ ۳۰-۳۱).

فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی دارای سابقه‌ی کهن و درخشان است. از آنجا که غنا و عمق هر فرهنگی تا حد زیادی بسته به قدمت آن فرهنگ می‌باشد، فرهنگ ایرانی با سابقه‌ای طولانی و در مواجهه با تنگنای گوناگون آبدیده شده و استحکام لازم را به دست آورده است. اطمینان ایرانی از زیربنای فرهنگی خود باعث شده که او از زمان تشکیل اولین امپراتوری جهان به دست خود تاکنون، از طرح فرهنگ‌های دیگر در کنار فرهنگ خود نهراسد. بدین ترتیب، فرهنگ ایرانی از تجربیات فرهنگی دیگران، استفاده کرده و به رشد و ترقی خود ادامه داده است.

منبع تعالیم فرهنگ اسلامی

قرآن، سنت و حدیث منبع و سرچشمه‌های توأمان فرهنگ اسلامی می‌باشند. همه‌ی مسلمانان به این دو منبع لایزال ایمان دارند و این تعالیم را مطابق مشیت خداوند بر اوضاع و احوال خاصی که برایشان پیش می‌آید اطلاق و اعمال می‌کنند. قرآن و سنت به عنوان بازتاب توحید، رفتار و شیوه‌ی زندگی مسلمانان را شکل می‌دهند.

۱- قرآن مجید: قرآن مجید واقعیت مرکزی و مقدس اسلام است. معانی، الفاظ، اصوات و حروفی که کلمات این کتاب با آن نوشته شده و بالاخره کالبد این کتاب، همه و همه از نظر مسلمانان مقدس است. کلمه به کلمه این کتاب کلام خداوند است.

براساس ارزیابی پژوهشگران و مورخان، نزول قرآن بر حضرت محمد(ص) بزرگ‌ترین حادثه‌ی تاریخ بشریت بوده؛ زیرا برای نخستین بار در میان کتب آسمانی کتابی به منصفه‌ی ظهور رسیده است که تمامی کلمات و حروف آن از جانب خداوند می‌باشد و هیچ سطر از آن را بشر نگاشته و هیچ حرفی از آن را انسان تحریر نکرده است.

برخلاف بسیاری از کتب مقدس که بس کهن‌اند و نحوه‌ی جمع‌آوری و تدوین آن‌ها معلوم نیست، قرآن کاملاً در دیدرس تاریخ ما نازل شده است و لذا ما دقیقاً می‌دانیم که نزول این کتاب مقدس چه زمانی آغاز شده و چه زمانی پایان یافته است. قرآن در طی ۲۳ سال رسالت پیامبر اکرم(ص) فرو فرستاده شد. نخستین آیات آن، آیات آغازین سوره‌ی علق بود که در «جبل‌الرحمه» در

چهل سالگی توسط جبرئیل بر پیامبر اکرم(ص) وحی شد، و آخرین آیات آن نیز در ۶۳ سالگی و اندکی پیش از وفات ایشان نازل گشت. در هنگام نزول و در هر حالت، پیامبر کلام خداوند را تکرار می‌کرد و اصحاب ایشان آن را به حافظه خویش می‌سپردند، و در هر زمان لازم بود به خاطر می‌آوردند. بدین ترتیب تاریخ نزول تمامی آیات و سوره قرآن و حتی شرایط خاص نزول آیات دقیقاً معلوم است. (یوسفی، ۱۳۸۹: ۲۶ و ۲۷).

بزرگ‌ترین ویژگی قرآن تعهد خداوند تبارک و تعالی بر حفظ آن می‌باشد، در حالی که حفظ کتاب‌های آسمانی دیگر به عهده کسانی گذاشته شد که بر آن‌ها نازل شده بود. از این رو قرآن تنها کتاب آسمانی در جهان می‌باشد که تمامی آن از تحریف مصون مانده است و متن آن مورد اعتماد و ثابت می‌باشد و دستخوش هیچ تغییری نگشته است. قرآنی که در شرق و غرب زمین در دست مسلمانان است از اول آن، ام‌القرآن، تا آخر آن، یعنی معوذتین، کلام خداوند سبحان و وحی پروردگار می‌باشد که بر قلب پیامبر خود محمد بن عبدالله(ص) نازل کرده است.

آیات قرآن گاهی بر استخوان‌های کتف شتر و گاهی بر ورق‌های پاپیروس یا بردی، و بیش از همه بر صفحات ذهن و ضمیر و لوح جان اصحاب نقش شده بود؛ اصحابی که آن‌ها را به طور مستقیم از دهان حضرت رسول شنیده بودند.

پس از رحلت حضرت رسول اکرم(ص)، از آنجا که شمار «حُفاظ» قرآن به سبب جنگ‌ها و حوادث و بلایای طبیعی کاهش یافته بود، مسلمانان احساس کردند که دیر یا زود باید قرآن را کتابت و تدوین کنند و نشر بدهند. لذا آنچه از قرآن که پیش‌تر توسط «کُتَّاب» وحی یا دیگران، به‌ویژه علی بن ابی‌طالب(ع) و زید بن ثابت، از زمان حیات رسول اکرم(ص) و سپس در زمان ابوبکر کتابت شده بود، گردآوری شد. سرانجام در عهد خلافت عثمان، متن کامل کتابت شده قرآن مجید تهیه گشت. سپس از مصحف نهایی چندین نسخه تهیه گردید و به چهار گوشه جهان تازه تأسیس اسلام فرستاده شد.

همه نسخه دیگر از روی همین مصحف استنتاج شدند و هیچ متن دیگری از قرآن مجید وجود ندارد و در این متن واحد نیز هیچ تغییر و تجدیدنظری وارد نشده است. فقط یک متن واحد و ثابت از قرآن مجید مورد قبول همه مسلمانان و منبع اصلی حقیقت، هدایت و الهام همه آن‌هاست. (معمار، ۱۳۷۸).

هر جنبه‌ای از قرآن به خداوند مربوط می‌شود که این کتاب از او صادر شده است. یکی از این جنبه‌ها «بلاغت» باورنکردنی و اعجاب‌انگیز قرآن مجید است که معجزه اصلی اسلام به حساب می‌آید و هرگز حتی بلیغ‌ترین ابنای بشر نیز نتوانسته‌اند مثل آن سخن بگویند؛ زیرا اصلاً مقایسه کردن زبان بشر با زبان خداوند ممکن نیست. حضور خداوند در قرآن مجید آن‌چنان نیرومند و مشهود است که زبان عربی را از زبانی بشری به زبانی مقدس استحاله کرده است. به خاطر همین حضور خداوند، قرائت هر آیه از قرآن به یک معنی انسان را مستقیماً و بلافاصله در محضر خداوند قرار می‌دهد.

قرآن مجید حاوی همه جنبه‌های دین اسلام اعم از شرایع و اندیشه اسلامی، تعالیم معنوی و اخلاق اسلام است. حتی مظاهر هنری آن در تعالیم آشکار و پنهان این متن مقدس ریشه دارد.

۲- سنت و حدیث: مسلمانان، پیامبر اسلام را کامل‌ترین و درواقع «اشرف مخلوقات» می‌نامند. خداوند همه فضایل و کمالاتی که مقام بشری قابلیت دستیابی بدان را دارد به پیامبر اکرم(ص) ارزانی کرده است و مسلمانان او را نمونه تمام‌عیاری برای زندگی بشر می‌دانند که باید از وی تقلید و الگوبرداری شود.

در نتیجه زندگی پیامبر اکرم(ص)، به‌ویژه در مدت ۲۳ سال رسالتش، همواره برای مسلمانان سرمشق کامل زندگی بشری تلقی شده است. نسل‌های پی‌درپی مسلمانان، دقیقاً به خاطر اینکه می‌خواستند از زندگی حضرت محمد(ص) الگویی برای هدایت خود اتخاذ کنند، زندگی ایشان را از ابتدا تا انتها بارها و بارها مطالعه و بررسی کرده‌اند.

عادات و افعال پیامبر اکرم(ص)، به «سنت»، و اقوال او به «حدیث» موسوم است. سنت و حدیث پس از قرآن کریم دومین مبنا یا اصل اساسی اسلام است.

سنت شامل دو بخش است: یک بخش آن عبارت است از هویت اسلامی دادن به آن بخش از آداب و عادات متداول در جامعه اعراب که با روح اسلام سازگاری داشت. دومین بخش سنت که اساسی‌ترین جنبه‌های آن را تشکیل می‌دهد، ناظر بر سلوک الهی در مقابل خداوند و خلاق اوست و لذا ناظر به اساسی‌ترین قسمت دین اسلام است.

حدیث، شامل مجموعه بسیار گسترده‌ای از اقوال رسول اکرم(ص) می‌شود که طی سه قرن نخست تاریخ اسلام، نسل‌هایی از علمای مؤمنی که به «محدثون» معروف بوده‌اند، آن را گردآوری کرده‌اند. (تاجیک، ۱۳۸۹: ۳۵).

احادیث بعداً به احادیث کاملاً صحیح و موثق، احادیث کمابیش مورد اعتماد، احادیث ضعیف و احادیثی که مطلقاً فاقد صحت و وثاقت بودند، متمایز گشتند و در مجموعه‌هایی تدوین شدند. احادیث، توسط اهل سنت در کتاب‌های مشهور به «صحیح» گرد آمده است که آن‌ها را «صالح‌السنة» می‌نامند. و شیعیان نیز چهار مجموعه معتبر حدیث به نام «کتب اربعه» تدوین کردند. (یوسفی، ۱۳۸۹: ۲۸).

حدیث، در کنار قرآن یکی از منابع شریعت است. حدیث در عین حال منبع فکر و اندیشه اسلامی نیز می‌باشد و تقریباً همه جهات و جنبه‌های این اندیشه همچون، کلام، علوم، فلسفه و حتی علوم صرف و نحو و سنت از حدیث و به طریق اولی از قرآن نشأت گرفته است. حدیث خود نخستین تفسیر قرآن است. اقوال حضرت محمد(ص) معنای قرآن مجید را کامل و تمام می‌کند و بدون استمداد از قول ایشان، معنای بسیاری از آیات قرآن را نمی‌توان فهمید. حتی ادای مناسک و آیین‌های اصلی اسلام، همچون نمازهای روزانه، حج و ... را باید از خلال سنت و حدیث فرا گرفت. همچنین تشریح و قانون‌گذاری از روی قرآن به کمک احادیث انجام می‌شود. ائمه(ع) خود هنگام بازگو کردن حدیثی، سعی می‌کردند که آن را به طور سلسله‌ای از قول پیامبر بیان کنند.

ایرانیان در مواجهه با فرهنگ اسلامی نیز، به همین شیوه عمل نمودند. آن‌ها هنگامی که از اصول و ویژگی‌های انسان‌دوستانه و مترقی فرهنگ اسلامی آگاهی پیدا کردند، آن را با آغوش باز پذیرفتند. با گرایش ایرانیان به فرهنگ اسلامی، بر روی ریشه و شجره طویه توصیه — به عنوان محور فرهنگ اسلامی — درختی تنومند به وجود آمد که باعث شد فرهنگ و تمدن اسلامی در سراسر جهان گسترش یابد. بدون شک، گسترش فرهنگ اسلامی، مدیون استفاده از تجربیات طولانی ایرانیان با فرهنگ بود. بدین‌گونه عقل ایرانی در کنار شرع مقدس، در قرون اولیه اسلامی حماسه آفرید و فرهنگ ایرانی که در این هنگام با فرهنگ اسلامی آمیخته بود، مبنایی استوار برای پیشرفت علوم در همه رشته‌ها پدید آورد. اما متأسفانه بعدها نه تنها بر روی آن درخت تنومند چیزی فزوده نشد، بلکه در بسیاری از موارد رشد آن نیز متوقف شد. رکود فرهنگ ایرانیان در قرون بعد، دلایل متعددی داشت که وجود حکام مستبد و فرهنگ‌ستیز از آن جمله است. از زمان ورود اعراب مسلمان تاکنون، فرهنگ اسلامی در ایران با فراز و نشیب‌های گوناگونی مواجه بوده است. هرچند سلسله‌های گوناگون همه شعار اسلام سر می‌دادند، در عمل، هیچ‌کدام از آن‌ها نتوانستند یا نخواستند آن فرهنگ و تمدن درخشان اولیه را حفظ کنند و آن را استمرار بخشند. از طرفی، دست به دست شدن سریع قدرت، باعث می‌شد که دستاوردهای گذشته بر باد رود. حمله مغول‌ها به ایران، از جمله مواردی بود که ضربه سنگینی به فرهنگ اسلامی وارد کرد؛ اما به‌رغم این فراز و نشیب‌ها، گردبادهای خشونت و جهالت نتوانستند فرهنگ اسلامی را از ادامه حیات بازدارند(احمدی علی آبادی، ۱۳۹۱؛ ۳۱).

با روی کار آمدن نظام جمهوری اسلامی، توجه به فرهنگ اسلامی در رأس کارها قرار گرفت. این امر از آنجا اهمیت پیدا کرد که پیروزی انقلاب اسلامی مدیون تکیه کردن رهبران آن بر فرهنگ اسلامی بود. بنابراین همچنان که نظام با تکیه بر فرهنگ اسلامی بر سر کار آمده بود، برای تداوم حیات نیز می‌بایست بر فرهنگ اسلامی تکیه می‌کرد. بدیهی است در جمهوری اسلامی، هدف سیاست‌های رسمی تقویت و گسترش فرهنگ اسلامی بوده است؛ اهمیت جایگاه فرهنگ اسلامی — ایرانی در آینده‌نگری نظام جمهوری اسلامی و چشم‌انداز برنامه بیست‌ساله کشور در حدی است که نه تنها ضرورت ایجاد نقشه راه و مهندسی فرهنگی کشور را رهبری نظام به صراحت و قاطعیت اعلام کرده، بلکه با جدیت اجرای این امر را از مسئولان و متولیان نظام خواستار شده است. تأسیس نظام فرهنگی کشور، که مبتنی بر فرهنگ اسلامی — ایرانی ترسیم خواهد شد ضرورت آشنایی با فرهنگ اسلامی — ایرانی در قلمرو مفهوم‌شناسی با بیان خصوصیات و ویژگی‌های هر یک را نشان خواهد داد.

انقلاب اسلامی ایران ساختار و ویژگی‌های منحصر به فردی را داراست که آن را از تمامی انقلاب‌های جهان جدا می‌کند. این انقلاب در باورها ی عمیق مذهبی و فرهنگی مردم ایران ریشه‌دارد و از طریق بزرگداشت‌های ملی بازتولید می‌شود. یکی از مهمترین ویژگی‌های انقلاب اسلامی، که پایه گذار و تثبیت کننده این حرکت بی نظیر مردمی شد، برگزاری مراسم و آیین

هایی بود که سال ها پیش از انقلاب اسلامی استعداد و طراوتی درتشکل ها و گروه های مردمی فراهم کرده بود. این مراسم عموماً متولیان مردمی و بیشتر در قالب هیئات و تشکل های دینی و دیگر گروه های اجتماعی ساماندهی شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، وضع سیاسی اجتماعی کشور به گونه ای رقم خورد که ضرورت حضور مردم و مشارکت گسترده اقشار مختلف در مراسم و راهپیمایی های مختلف ضامن تثبیت و تداوم انقلاب شد. از آن پس آیین های ملی و مذهبی و حضور مردم و بویژه جوانان در این اعیاد و مناسبت ها به عنوان ظرفیتی برای وحدت ملی و تجدید پیمان با انقلاب اسلامی تلقی شد. (برزگر، ۱۳۹۱: ۱۳۹).

جوانان امروز با حضور در آیین های ملی و مذهبی در فرایند روبه رشد جامعه قرار می گیرند که این وضعیت نقش مهمی در استمرار حیات نظام جمهوری اسلامی ایران دارد. از طریق روند حضور مردم در اجتماعی است که نسل های قدیمی تر فرهنگ جامعه و ارزش های خود را به نسل های جدیدتر منتقل می کنند و با توجه به چنین انتقالی است که جمهوری اسلامی توانسته است فرهنگ تمدنی خود را استمرار بخشد.

در جامعه ایران اسلامی حضور مردم بویژه جوانان در جهت وحدت ملی برای نسل سومی که باحال و فضای ایدئولوژی اسلامی انقلاب کمتر آشنا است در قالب بزرگداشت ها و برپایی مراسم و مناسبت های آیینی در طی سال چون اعیاد ملی مانند عید باستان نوروز، اعیاد مذهبی و دینی مانند مراسم نیمه شعبان، میلاد پیامبر اعظم (ع)، عید سعید فطر و قربان و مراسم دهه فجر، سالگرد پیروز یانقلاب اسلامی ایران و روز جهانی قدس و هم چنین مراسم ملی، مذهبی در کشورهای جهان قابل بررسی است. (معمار، ۱۳۷۸).

تعریف مفاهیم

مراسم و مناسبت های مذهبی و دینی

مراسم ملی و مذهبی و دینی، فعالیت های نمادین، متعارف و مرسوم است که در روزهایی خاص و یا هماهنگی قبلی با اهدافی مشخص انجام می شود. جشن پدیده ای اجتماعی - فرهنگی در زمره آداب و مناسک دینی و سنت های قومی است که از شروع تشکیل اجتماعات انسانی در هر زمان و تمدنی و به هر شکل و صورتی در زندگی مردم جایگاه ویژه ای داشته است. جشن ها و آیین ها در ایران مانند هر کشور دیگر می توان به چند دسته رده بندی کرد:

مراسم باستانی و اسطوره ای

از دوران های کهن بسیاری از جشن ها و همراه با اسطوره و افسانه هایی درباره پیدایش آن ها بر جای مانده است ، چون نوروز، تیرگان، مهرگان، یلدا و سده این جشن ها بی گمان در آغاز برای یادآوری فصل ها و تنظیم برنامه های کشاورزی بوه ، با گذشت زمان مناسبت ها و داستان های دیگر به آن افزوده شده است (عابدی ، ۱۳۸۷، ۲۷).

جشن ها و آیین های دینی

در همه ادیان و مذاهب روزهایی هست که در بزرگداشت و یاد آوری رویدادها تولد و مرگ پیشوایان به برگزاری جشن و شادی و سوگواری می پردازند. در دین اسلام، تولد پیامبر اعظم (ص)، عید فطر، عید قربان، رحلت پیامبر اعظم (ص)، عید قربان، جشن نیمه شعبان نمونه هایی از آن است (حاجیان، ۱۳۸۹؛ ۱۹۵).

جشن های ملی و اسلامی ایران

به طور کلی جشن ها و آیین های ایرانی را می توان به پنج دسته تقسیم کرد: گروه اول را آیین های باستانی ، اسطوره ای و فصلی تشکیل می دهد که شامل جشن هایی مانند نوروز، تیرگان ، مهرگان، یلدا، سده ... است. گروه دوم، شامل آیین های دینی و مذهبی مانند عید غدیر، عید فطر، عید قربان، جشن های تولد و سوگواری و وفات ائمه و... می شود. گروه سوم، آیین های ملی، میهنی و حکومتی است. جشن های پیروزی انقلاب اسلامی ایران، که هر ساله در ۲۲ بهمن برگزار می شود و یا مراسم هفته دفاع مقدس، نمونه ای از این گونه مراسم ها است. گروه چهارم، آیین های منطقه ای است که مخصوص یک ناحیه یا قوم خاص است و در دیگر نقاط کشور برگزار نمی شود.

نقل وقایع و مناسبت های اسلامی

از آنجایی که هویت ملی فرایند پاسخگویی آگاهانه ملت به پرسش‌هایی درباره خود، گذشته، کیفیت، زمان، تعلق، خاستگاه اصلی و دائمی، حوزه تمدنی، جایگاه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ارزش‌های ملهم از هویت تاریخی خود است. به عبارتی، جامع‌ترین هویت جمعی نزد مردم، هویت ملی نامیده می‌شود و نوعی احساس پایبندی، دلبستگی و تعهد به اجتماع ملی (عام)، و جزئی از هویت فرد است (رزازی فر، ۱۹۰؛ ۱۰۳). هم‌چنین هویت ملی را می‌توان مجموعه‌ای از نشانه‌ها و آثار تاریخی (آگاهی مشترک افراد جامعه از گذشته تاریخی و احساس دلبستگی به آن و احساس هویت تاریخی)، زیستی-جغرافیایی (نگرش مثبت به آب و خاک به دلیل سکونت در یک کشور و یک سرزمین معین و متمایل نبودن به مهاجرت و مرجع دانستن زندگی در آن بر سایر نقاط جهان)، فرهنگی (مجموعه مناسک عام، شیوه‌های معماری، سنت‌ها، اعیاد، هنرهای ملی و قومی، اسطوره‌ها و عرف‌ها و فولکلور زبان)، دینی (برخورداری از دین و آموزه‌های مذهبی مشترک، پایبندی و وفاداری به آن، اعتقاد و تمایل به مناسک و آیین‌های مذهبی فراگیر اجتماعی) پذیرش مصالح و منافع جمعی بر مصالح و منافع فردی، ابراز رضایت عمومی از اوضاع موجود، مشارکت در نظام تقسیم کار و پایبندی به هنجارهای عام، سیاسی (دانش سیاسی، مشارکت سیاسی، علاقه به ملت، اعتماد به نظام سیاسی، فعالیت‌های سیاسی، وفاداری به نهادهای سیاسی و پذیرش مشروعیت و کارآمدی حکومت) و روانی (اعتماد کامل، برقراری روابط دوستانه و عاطفی در تمامی ابعاد) دانست که سبب تفاوت جوامع از یکدیگر می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر با هدف بررسی نقش نقل وقایع و مناسبت‌های اسلامی در درونی کردن هویت و فرهنگ ملی اسلامی کودکان و نوجوانان انجام شد. مطابق با آنچه در بالا اشاره شد، هویت یعنی، حقیقت و ماهیت چیزی؛ یا هویت پاسخ به سؤال چه کسی بودن و چه‌گونه بودن است. و با توجه به اینکه هویت پدیده‌ای ثابت و تغییرناپذیر نیست، تحت تأثیر شرایط محیطی، همواره در حال تغییر است. با استناد بر مراحل اریکسون از آنجایی که دوران نوجوانی دوره هویت‌یابی است و کشوری که ما در آن زندگی می‌کنیم کشوری با بافت اسلامی است و با انواع آیین‌های دینی نظیر تولد پیامبر اعظم (ص)، عید فطر، عید قربان، رحلت پیامبر اعظم (ص)، عید قربان، جشن نیمه شعبان، ایام محرم که هر چه باشکوه‌تر برگزار می‌شوند عجین شده است لذا می‌توان در دوران گذر از نوجوانی و حتی پیش از آن دوران کودکی با نقل کردن داستان‌ها و وقایع عید قربان، پیغمبری پیامبر و جانشینی مولا و داستان محرم و خصوصاً شرکت دادن کودکان و نوجوانان در این مراسم‌ها و پاسخگویی به ابهامات آن‌ها در این زمینه هم در تثبیت بیشتر این فرهنگ در نوجوانان و کودکان موفق‌تر عمل نمود و هم در پایدارتر کردن و وااستدام بخشیدن به این فرهنگ در کنار فرهنگ غنی ایرانی نظیر اساطیر کهن ایران (آرش کمانگیر، داستان رستم و سهراب ...). گام‌های محکم‌تر برداشت. متأسفانه مطابق با بررسی‌های انجام شده مطالعه‌ای در زمینه مقایسه اساطیر کهن ایران نظیر قهرمانی آرش مکانگیر با ابولفضل العباس (ع) و موارد دیگر انجام نشده تا بانقل آن برای کودکان و نوجوانان در جهت ماندگار کردن بیشتر این اسطوره‌ها و فرهنگ در ایران زمین اقدامی انجام شده باشد که توصیه می‌شود در مطالعات بعدی گام‌های اساسی در این زمینه برداشته شود.

منابع

تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۹) «فرهنگ و هویت ایرانی، فرصت‌ها و چالش‌ها (میزگرد)»، فصلنامه‌ی مطالعات ملی، ش ۴، صص ۶۱ - ۱۱.

روح الامینی، محمود. (۱۳۹۲). آیین‌ها و جشن‌های کهن در ایران امروز. ج ۱، ص ۱۷، تهران.

کاستلز، مانوئل. (۱۹۲۷). عصر اطلاعات (سه جلد). ترجمه دوران، تهران: انتشارات طرح نو.

ساختار فرهنگی هویت ملی. (۱۳۸۹). مطالعات طرح پایه آمایش، تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، جلد پنجم.

سابقی، محمدرضا. (۱۳۹۱). بررسی صادرات محصولات فرهنگی و تأثیر آن در جهانی سازی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.

کاووسی، اسماعیل. حسین زادگان، زهره. (۱۳۹۰). حفظ هویت ایرانی-اسلامی در فرآیند جهانی شدن.



معمار، رحمت‌الله (۱۳۷۸). «سنجش گرایش به هویت تاریخی»، تهران: اداره‌ی کل مطالعات مرکز تحقیقات و سنجش برنامه‌های سازمان صدا و سیما، منتشر نشده.

همتی، ماندانا (۱۳۹۰). «زبان و هویت فرهنگی، به نقل از بهروز گرانیپایه»، مجموعه‌ی فرهنگ و جامعه، ش ۱، صص ۱۲۳ - ۱۰۹.

ورجوند، پرویز (۱۳۸۹). پیشرفت و توسعه بر بنیاد هویت فرهنگی. تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم.
یوسفی، علی (۱۳۸۹). «فرهنگ و هویت ایرانی، فرصت‌ها و چالش‌ها (میزگرد)»، فصلنامه‌ی مطالعات ملی، ش ۴، صص ۶۱ - ۱۱.

بزرگر، ابراهیم (۱۳۷۹). «صراط، ضابطه‌ی هویت در اندیشه‌ورزی امام خمینی (ره)»، فصلنامه‌ی مطالعات ملی، ش ۵، صص ۱۵۸ - ۱۳۵.

Archive of SID